

## متولیان مبارزه با قاچاق عملکرد خود را مثل پلیس شفاف کنند



رئیس پلیس امنیت اقتصادی

بارها شنیددیم بعضی دستفروش‌ها یا حراجی‌ها فریاد می‌زنند «آتش زدم به مالم». این موضوع کنایه فروختن اجناس زیر قیمت واقعی است. روش‌دهنده‌ها پس از کسب سود، مازاد آن را حراج می‌گذارند تا زودتر باقی مانده اجناس خود را بفروشند و به خانه برگردند. در خصوص قاچاق کالا نیز همین قاعده حاکم است. سوداگران بازار قاچاق کالا، اجناس را به قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت بازار خریداری می‌کنند و با قیمتی ارزان‌تر از قیمت بازار به فروش می‌رسانند، با این تفاوت که با این اقدام، آتش به مال دیگران می‌زنند و خاکستر آن را هم بر بادی می‌دهند. قاچاق کالا آتش زدن به تولید و سوزاندن و نابود کردن تولید کشور است. سوداگران این بازار کالاها را از تولیدکنندگان راهی بازار مصرف نمی‌کنند. روشن است شعله‌های آتشی که قاچاق کالا می‌افروزد دامن جامعه را می‌گیرد و آسیب‌های آن به شکل بیگاری، تورم، بروز معضلات اجتماعی از جمله سرقت و بروز ناامنی جلوه می‌کند. بدیهی است، بسیاری از بیگاری‌های ایجاد شده در کشور ناشی از گستره قاچاق کالا است که سبب شده کارگاه‌های کوچک یک به یک به دلیل عدم توان رقابت با محصولات قاچاق تعطیل شوند و فعالانی که توان خود را برای کمک به تولید به کار گرفته بودند یا وارد مشاغل کاذب شوند یا به آسیب‌های اجتماعی مبتلا شوند. در مقام برخورد صرفاً با برخورد‌های مسلبی نمی‌شود مانع قاچاق شد. پلیس امنیت اقتصادی در مقام برخورد به قیمت شهادت مأمورانش تلاش خود برای حمایت از تولید داخل و افزایش امنیت به کار می‌بندد. با این حال شاهد هستیم پدیده قاچاق همچنان به شیوه‌های مختلف در جریان است و پیامدهای آن جامعه را بیش از پیش با خود درگیر می‌کند. در چنین وضعیتی پرشش این است که چه باید کرد؟ وقتی حرف از برخورد‌های انتظامی به میان آید، معنایش این است که سازوکارهایی که منجر به تولید این آسیب شده راه به جایی نبرده است. از همین‌رو در حوزه برخورد با سازوکارهایی در جریان است که پلیس یکی از حلقه‌های آن را تشکیل می‌دهد، حلقه‌ای که در معرض نگاه مردم قرار دارد. نگاه مردم به پلیس و انتظار عمومی از پلیس امنیت اقتصادی به واسطه اعتماد عمومی به بدنه انتظامی است. در این بین اما محقق شدن مأموریت‌های پلیس، در گرو مسامحت مردم و همکاری سازمان‌ها و تعامل آنها با پلیس امنیت اقتصادی است. پدیده قاچاق لا به‌های پنهانی وارد که سود سرشار آن نصب پایزگران معذوم می‌شود و آسیب‌های آن به بدنه اجتماعی می‌رسد، از همین‌رو امید است دستگاه‌هایی که در امر مبارزه با قاچاق کالانش دارند، عملکرد خود را مثل پلیس در معرض داوری مردم قرار دهند و مردم مثل همیشه در حوزه مبارزه با قاچاق همیار پلیس امنیت اقتصادی باقی بمانند و اخبار و گزارش‌های خود در خصوص قاچاق کالا و ارز را با شماره ۰۹۶۳۰۰ میان بگذارند.

### آزمین بی‌نا

دو سارق سابقه‌دار که با پایبند الکترونیکی از زندان آزاد شده بودند برای ادامه سرقت‌های سریالی و بیرون آوردن پایبند از پایشان رژیم لاغری گرفتند.
اواخر تابستان امسال زن جوانی در تهران وحشت‌زده به اداره پلیس تماس گرفت و در حالی که صدایش از پشت گوشی می‌لرزید و به سختی حرف می‌زد، گفت دو سارق مسلح گوشی تلفن همراه گرافتمیتمش را به زور سرقت کرده‌اند.

### سارق

با تماس زن جوان به سرعت تیمی از مأموران پلیس به محل حادثه در یکی از خیابان‌های غربی شهر اعزام شدند. شاکي در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «لحظاتی قبل از محل کارم بیرون آمدم و در حال رفتن به خیابان بودم تا با تاسکی به خانه‌ام بروم. وقتی به محل خلوتی رسیدم، ناگهان موتور سیکلتی با دو سرنشین راه مرا سد کردند و ترک‌نشین آن از موتور پیاده شد و با جاقوی بزرگی که در دست داشت به سمت من دست کرد. انقدر ترسیدم که لحظه‌ای توان حرف زدن نداشتم و دست و پایم به لرزه افتاد. مرد جوان جاقو و دست که ماسک بهداشتی به صورت داشت با جاقو تهدیدم کرد تا گوشی‌ام را به او بدهم. از ترس هیچ مقاومتی نکردم و گوشی‌ام را به او دادم و آنها هم به سرعت با موتورشان فرار کردند.»

با شکایت زن جوان پرونده به دستور بازرس شعبه پنجم دادرسی ویژه سرقت برای شناسایی سارقان در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت.

بررسی‌های مأموران نشان داد سارقان چهار نفر و با دو موتورسیکلت هستند که یک موتورسیکلت با دو سرنشین سرقت خشن را انجام دادند و سرنشینان موتورسیکلت دیگر هم نقش

### رژیم لاغری گرفتیم

شروین یاسن کمش سارق سابقه‌داری است که قبل از این چند بار دیگر به جرم سرقت دستگیر و روانه زندان شده‌است و به گفته خودش این‌بار همراه همدستش برای ادامه سرقت‌های سریالی رژیم لاغری می‌گیرد.

### شروین چند سال داری؟

من ۲۲ ساله هستم.

### سابقه داری؟

بله، سابقه سرقت دارم.

**چند بار و به چه جرمی سابقه داری؟**
من قبل از این بار در سال‌های قبل چهار بار دیگر به جرم سرقت دستگیر شدم و به زندان افتادم.

**چه ششد که در ۲۲ سالگی چهار بار سابقه زندان داری؟**

رفت و آمد با دوستان نایاب باعث شد سارق شوم. در محله‌ای که زندگی می‌کنیم خیلی از همسن و سال‌های ما خلاق‌فکار هستند و یک‌شبه به پول زیاد می‌رسند. من هم در دوران جوانی دوست داشتم پولدار شوم و ماشین مدل بالا سوار شوم و به قول دوستانم

## حواالات

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

# خارج کردن پایبند الکترونیکی با رژیم لاغری

اسکورت دارند تا در مواقع ضروری به کمک همدستانشان بروند.

### سرقت‌های سریالی

در حالی که تحقیقات برای شناسایی باند سارقان خشن ادامه داشت، به مأموران پلیس خبر رسید مرد جوانی در درگیری با دو سارق جاقو به دست زخمی و راهی بیمارستان شده‌است. مأموران وقتی به بیمارستان رفتند متوجه شدند چهار سارق موتورسوار هنگام سرقت تلفن همراه مرد جوانی با او درگیر شده‌اند و یکی از آنها با جاقو وی را به شدت زخمی است و پس از سرقت تلفن همراهش، از محل گر بختاند. گفته‌های شاهدان و شاکي حکایت از آن داشت سارقان همنام باند سارقان خشن هستند که با تهدید جاقو دست به سرقت‌های سریالی می‌زنند.

### چهره‌نگاری

هر روز به سرقت‌های باند سارقان خشن اضافه می‌شد و مأموران پلیس هم در تلاش بودند تا آنها را شناسایی و بازداشت کنند، اما سارقان در همه سرقت‌ها نقاب یا ماسک بهداشتی به صورت داشتند و پلاک موتورشان را هم مخدوش می‌کردند. مأموران پلیس در نهایت در بررسی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل‌های حادثه چهره فرضی متهمان را به دست آوردند و سپس با کمک شاکیان اقدام به چهره‌نگاری کردند که مشخص شد چهره فرضی دو نفر از سارقان شباهت زیادی به دو سارق سابقه‌داری دارد که مدتی قبل از زندان آزاد شده‌اند.

از سوی دیگر مأموران در بررسی پرونده دو متهم سابقه‌دار دریافتند هر دوی آنها پس از زندان الکترونیکی از زندان آزاد شده‌اند و از سوی مرکز کنترل سارقان سابقه‌دار تحت نظارت بوده‌اند، اما پابندها در هیچ‌یک از محل‌های سرقت خطاری نداده‌است.

بدین ترتیب مأموران دو متهم ر ا تحت تعقیب قرار دادند و چند روز

با پول زیاد خوشگذرانی کنم. همین موضوع باعث شد با بهروز که بچه محل ما بود، دوست شوم. او سارق سابقه‌داری بود و همیشه

از پول‌های باد آورده‌ای که از راه خلاف به دست آورده‌بود برای ما تعریف می‌کرد و من هم وسوسه شدم و تصمیم گرفتم وارد جرم‌ها خلافکاران شوم. بهروز به من آموزش گوشی‌قاپی داد و من هم همدست او در این مدت هم چند بار دی دستگیر شدم و به زندان افتادم.

### چه زمانی از زندان آزاد شدی؟

آخرین بار که دستگیر شدم حدود یک سال و نیم کشیدم و تابستان امسال از زندان آزاد شدم.

**پس از آزادی دوباره تصمیم گرفتی سرقت را شروع کنی؟**

کاری نداشتم و تصمیم گرفتم دوباره شروع به سرقت کنم و به همین دلیل سراغ بهروز رفتم که او هم به تازگی از زندان آزاد شده‌بود و از او خواستم دوباره شروع به گوشی‌قاپی کنم، اما هر دوی ما چون سابقه‌دار بودیم با پایبند

## حواالات



قبل دو سارق سابقه‌دار را به نام‌های شروین و بهروز در حالی بازداشت کردند که پایبند الکترونیکی به پا نداشتند. مأموران در ادامه پایبند الکترونیکی دو متهم را در محل سکونتشان کشف کردند. دو متهم ابتدا منکر جرم خود شدند، اما وقتی با دلایل و مدارک و همچنین با شاکیان روبه‌رو شدند به سرقت‌های سریالی با همدستی دو نفر دیگر از دوستانشان اعتراف کردند. مأموران در ادامه دو همدست سارقان خشن را بازداشت کردند. تحقیقات از متهمان برای شناسایی سرقت‌های احتمالی ادامه دارد.

پایمان جنداشد.

**دوباره شیوه سرقت‌ها بتان توضیح بده؟**

پس از اینکه پایبندها را از پایمان جدا کردیم، برای اینکه نقشه‌های سرقت‌مان را بهتر اجرا کنیم، دو نفر از بچه‌محل پایمان را که سابقه‌ای نداشتند، وارد کردیم و از آنها به عنوان اسکورت استفاده می‌کردیم تا اگر خطری ما را تهدید کرد، آنها به کمک ما بیایند. ما پایبندها را داخل کمد خانه مخفی می‌کردیم و پلیس هم از طریق پایبندها ما را رصد می‌کرد و متوجه خروج ما از محل زندگی‌مان نمی‌شود. ما هم به راحتی به سرقت می‌رفتیم. معمولاً در محل‌های خلوت، به سراغ افرادی می‌رفتیم که با تلفن همراه صحبت می‌کردند یا تهدید جاقو تلفن همراه آنها اسرقت می‌کردیم.

**فکری که کردید دستگیر شوید؟**
نه، چون نقشه ما حساب شده‌بود و ما برای اینکه شناسایی نشویم، ماسک بهداشتی می‌زدیم و پایبندها را هم در خانه می‌گذاشتیم، اما آخر لاغر شدیم به طوری که پایبندها به راحتی از

## گروگان‌اشتباهی آدم‌ربایان مسلح را گرفتار کرد

جانم هیچ مقاومتی در برابر آنها نکردم. مرد مسلح با تهدید اسلحه کارت عابر بانکم و رمزش را از گرفت و در اختیار راننده قرار داد و راننده هم پس از طی مسافتی توقف کرد، من متوجه شدم او از خودرو پیاده و دقایقی بعد دو دایره سوار خودرو شدند و به راه افتادیم. پس از ساعتی دوباره خودرو را متوقف کردند و به زور تلفن همراه و اموال باارزشم را از من گرفتند و پس از آن مرا از خودرو به بیرون پرت کردند. تازه متوجه شدم آدم‌ربایان پس از سرقت اموال‌مرا در بیابان‌های اطراف تهران رها و خودشان با خودرو فرار کرده‌اند. پس از آن به سختی خودم را به جاده فرعی رساندم و از راننده‌ای عبوری کمک خواستم و او هم مرا به شهر رساند. الان متوجه شدم آدم‌ربایان تمامی پول‌های کارت عابر بانکم را خالی کرده‌اند.»

### خرید از صرافی

با شکایت مرد جوان، مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی آدم‌ربایان مسلح آغاز کردند.
جانم هیچ مقاومتی در برابر آنها نکردم. مرد مسلح با تهدید اسلحه کارت عابر بانکم و رمزش را از گرفت و در اختیار راننده قرار داد و راننده هم پس از طی مسافتی توقف کرد، من متوجه شدم او از خودرو پیاده و دقایقی بعد دو دایره سوار خودرو شدند و به راه افتادیم. پس از ساعتی دوباره خودرو را متوقف کردند و به زور تلفن همراه و اموال باارزشم را از من گرفتند و پس از آن مرا از خودرو به بیرون پرت کردند. تازه متوجه شدم آدم‌ربایان پس از سرقت اموال‌مرا در بیابان‌های اطراف تهران رها و خودشان با خودرو فرار کرده‌اند. پس از آن به سختی خودم را به جاده فرعی رساندم و از راننده‌ای عبوری کمک خواستم و او هم مرا به شهر رساند. الان متوجه شدم آدم‌ربایان تمامی پول‌های کارت عابر بانکم را خالی کرده‌اند.»

مأموران در بررسی دوربین‌های مدار بسته محل حادثه متوجه شدند پلاک خودروی متهمان سرقتی است. در ادامه، مأموران حساب شاکي را بررسی کردند که مشخص شد آدم‌ربایان پس از سرقت کارت عابر بانکم، شاکي از یک صرافی در پایتخت مقدار زیادی دلار و سکه طلا خریده‌اند. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران راهی صرافی شدند و پس از بررسی دوربین مدار بسته مغازه صرافی، چهره یکی از متهمان را به دست آوردند.

مأموران سپس به سراغ الیوم مجرمان سابقه‌دار رفتند و هویت متهم به نام کامبیز را شناسایی کردند که چندین سابقه سرقت و زورگیری در پرونده‌اش ثبت شده بود. بدین ترتیب کامبیز در دام مأموران گرفتار شد و همدستش به نام ماهان را به مأموران پلیس معرفی کرد. در ادامه مأموران همدست کامبیز را هم بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

مأموران در بررسی دوربین‌های مدار بسته محل حادثه متوجه شدند پلاک خودروی متهمان سرقتی است. در ادامه، مأموران حساب شاکي را بررسی کردند که مشخص شد آدم‌ربایان پس از سرقت کارت عابر بانکم، شاکي از یک صرافی در پایتخت مقدار زیادی دلار و سکه طلا خریده‌اند. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران راهی صرافی شدند و پس از بررسی دوربین مدار بسته مغازه صرافی، چهره یکی از متهمان را به دست آوردند. مأموران سپس به سراغ الیوم مجرمان سابقه‌دار رفتند و هویت متهم به نام کامبیز را شناسایی کردند که چندین سابقه سرقت و زورگیری در پرونده‌اش ثبت شده بود. بدین ترتیب کامبیز در دام مأموران گرفتار شد و همدستش به نام ماهان را به مأموران پلیس معرفی کرد. در ادامه مأموران همدست کامبیز را هم بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

اتباع غیرمجاز هم اعتراف کردند.

کامبیز گفت: «من و همدستم هر دو گوشی‌قاپ بودیم و پس از آزادی از زندان تصمیم گرفتیم مواد مخدر فروشیم. ابتدا در آمدش خوب بود، اما وقتی قیمت مواد مخدر افزایش پیدا کرد، مشتری‌های ما کم شدند. از طرفی خیلی از خریداران مواد اتباع غیرمجاز بودند و وقتی اعلام شد اتباع غیرمجاز باید از ایران خارج شوند از ترس برای خرید مواد به ما مراجعه نمی‌کردند. پس از این تصمیم گرفتیم از اتباع غیرمجاز اخذی کنیم. ما به عنوان مسافر آنها را اسرور می‌کردیم و بعد با تهدید اسلحه کارت عابر بانکشان را به زور می‌گرفتم و با کارت سرقتی، سکه و دلار می‌خریدیم و آنها هم چون غیرمجاز بودند از ترس اخراج شدن از ایران آزادی به اتباع داشتند و ما فکر نمی‌کردیم او ایرانی باشد و همین اشتباه ما را به دام انداخت.»

تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

اتباع غیرمجاز هم اعتراف کردند.

کامبیز گفت: «من و همدستم هر دو گوشی‌قاپ بودیم و پس از آزادی از زندان تصمیم گرفتیم مواد مخدر فروشیم. ابتدا در آمدش خوب بود، اما وقتی قیمت مواد مخدر افزایش پیدا کرد، مشتری‌های ما کم شدند. از طرفی خیلی از خریداران مواد اتباع غیرمجاز بودند و وقتی اعلام شد اتباع غیرمجاز باید از ایران خارج شوند از ترس برای خرید مواد به ما مراجعه نمی‌کردند. پس از این تصمیم گرفتیم از اتباع غیرمجاز اخذی کنیم. ما به عنوان مسافر آنها را اسرور می‌کردیم و بعد با تهدید اسلحه کارت عابر بانکشان را به زور می‌گرفتم و با کارت سرقتی، سکه و دلار می‌خریدیم و آنها هم چون غیرمجاز بودند از ترس اخراج شدن از ایران آزادی به اتباع داشتند و ما فکر نمی‌کردیم او ایرانی باشد و همین اشتباه ما را به دام انداخت.»

تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

### بی‌مهری با همیار پلیس



دبیر گروه حوادث

طرح همیار پلیس از معدود طرح‌های موفق پلیس در جلب مشارکت عمومی برای ارتقای فرهنگ رانندگی بود که اجرای آن در سال ۱۳۷۴ مورد اقبال گرفت. گروه‌های هدف طرح به درستی دانش آموزان انتخاب شدند و تلاش شد با آموزش مفاهیم اساسی به زبان ساده، مهارت‌های لازم برای نظارت بر رانندگی شهروندان، خصوصاً عضوی از خانواده را که در حال رانندگی است، کسب کنند و در صورت بروز تخلف نسبت به آن هشدار دهند. پوشیدن لباس یکی از مهم‌ترین آرزوهای کودکان بوده و هست، از همین رو پوشیدن لباس فرم مشخص، سوت پلیس و داشتن کارت همیار پلیس به سرعت مورد اقبال

دانش آموزان قرار گرفت. به دنبال آن، حضور مستمر مأموران پلیس راهور در مدارس فرصتی برای ارتباط نزدیک پلیس با دانش آموزان را فراهم کرد و آنها را برای فراگیری مفاهیم آموزشی که با آنها به اشتراک گذاشته می‌شد، ترغیب می‌کرد. دانش آموزان در فضای مدرسه و خانه همین مفاهیم آموزشی را با گروه‌های همسال یا اعضای خانواده به اشتراک می‌گذاشتند. بی‌توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی مصایب بسیاری را متوجه کشور کرده و سبب شده است بخش قابل توجهی از جمعیت کشور در جریان سوانح رانندگی جان خود را از دست بدهند یا مجروح و معلول شوند. هر فردی که پشت فرمان خودرو می‌نشیند، می‌داند که نیستن کمربندی ایمنی، خوردن و آشامیدن هنگام رانندگی، سرعت غیرمجاز، حرف زدن با گوشی تلفن همراه، رانندگی در حالت خستگی و خواب‌آلودگی و دلایلی از این دست می‌توانند به قیمت جان خودشان و سرنشینان خودرو یا سایر کاربران راه منجر شود. بد این حال شیوه رانندگی و بروز سوانح نشان می‌هد بخش مهمی از کاربران راه همچنان تصورشان این است که حادثه برای آنها اتفاق نمی‌افتد غافل از اینکه خطر از آنچه تصورش را می‌کنند به آنها نزدیک‌تر است.

در چنین شرایطی شناخت رفتارهای پرخطر از سوی همیاران پلیس سبب شده بود آنها وقتی شاهد تخلف‌های مورد اشاره از سوی والدین، بستگان یا رانندگان عبوری هستند به آنها تذکر بدهند. روشن است پذیرش توصیه‌های پلیسی از سوی فرزندان یا کودکان مورد تأیید بزرگ ترها فراری می‌گیرد، اما اگر همین توصیه‌ها از سوی همسر یا عضو دیگر خانواده به راننده منتقل شود این امکان قوی‌تر است که راننده به تخلف خود ادامه دهد. مدت دیگر استموز طرح همیاران پلیس و تبلیغ گسترده برای آن، این بود که کودکان در چرخه فراگیری آموزش و نظارت بر رفتار رانندگان برای رانندگی قانونمند و احترام به قانون تربیت می‌شوند. در چند سال اخیر اما روشن نیست که چرا به یک‌باره این طرح که با اقبال عمومی مواجه شده بود فروکش کرد و سبب شد از طریحی که هم‌زمان با شروع مدارس انتظار اجرای آن دغدغه‌ای برای کودکان بود، این‌گونه به حاشیه رانده شود تا آسیب‌های سوانح رانندگی مجال بیشتری برای عرض اندام داشته باشد.

## تحقیق از عروس میانسال در باره شوهر کمشدهاش

در ادامه مأموران با احضار برادر، پدر و مادر مرد گمشده با شکایت تازه‌ی روبه‌رو شدند.

پلیس رفته بود با شکایت از زن برادرش گفت: «برادرم پیمان مدتی بود با همسرش اختلاف داشت و هر زمانی ما به خانه‌اش می‌رفتیم آنها با هم درگیر می‌شدند، به همین دلیل رفت و آمد ما کم شده بود. در این یک سال هر زمانی سراغی از پیمان می‌گرفتیم همسرش مدتی بود برای کار به شهرستان رفته است و از طرفی هم پیمان به تلفن‌های ما جواب نمی‌داد. نگرانش شدیم و برای چندمین بار به خانه‌اش رفتیم

که این بار همسرش ادعا کرد برادرم برای کار به خارج از کشور رفته است، ما تصمیم گرفتیم برای پیدا کردن برادرم شکایت کنیم که فهمیدیم همسرش به اداره پلیس آمده و برای شوهرش یک سال قبل ناپدید شده است. وی در توضیح ماجرا گفت: «شوهرم یک سال قبل برای کاری از خانه خارج شد و دیگر به خانه بازنگشت و من و فرزندانم را تنها گذاشت. او روزی که از خانه بیرون رفت، به من گفت به احتمال زیاد برای انجام کاری به خارج از کشور می‌روم و نگران من نباش. شوهرم سابقه داشت که برای کار چند ماهی به شهرستانی خارج از کشور می‌رفت و بعد دوباره به خانه برمی‌گشت و این برای ما عادی بود. من و فرزندانم در این مدت منتظر شوهرم بودیم که به خانه برگردد و وقتی برگشت برای پیدا کردنش جست‌وجوی زیادی انجام دادیم، اما ساری از او پیدا نکردیم. الان بودند همسرش همیشه پیمان را تهدید می‌کرد. الان احتمال می‌دهیم برای برادرم اتفاق بدی رخ داده باشد.»

### شکایت جدید

با شکایت زن میانسال، پرونده به دستور بازپرس جنایی را اختیار تیمی از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. مأموران پلیس در مرد گمشده اعلام کردند که همسرش تحقیق کرد و از سرنوشته پدرشان بی‌خبر هستند.

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**
**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**
**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**
**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**
**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۹/۱۰**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۹/۱۷**
**پهنام تاروردی زاده**
**رییس اداره ثبت اسناد شهرستان ماکو**
**شماره: ۱۸۲۲۵۵۱**
**شماره تماس: ۱۸۲۲۵۵۱**